



Beautiful Accident

یک روزنامه‌نگار داشت در خیابان می‌رفت. یک دفعه وسط خیابان یک گودال عمیق بوجود آمد و آن روزنامه‌نگار پرت شد وسط آن گودال، بعد یک بمب اتم از آسمان آمد و افتاد وسط آن گودال، سپس مقداری وبا و طاعون و ایدز به جان آن روزنامه‌نگار افتاد. و پس از آن بود که سیل آمد و آن گودال را پر کرد و به مدت سه ماه روزانه ۱۳ ریشتر زلزله آمد. بعد یک تیرآهن خورد توی سر آن روزنامه‌نگار و یک ماشین دووی نمره رفسنجان هم با او تصادف کرد. یک ماه پس از این اتفاقات بود که در یک صبح دل‌انگیز زمستانی که سگ از خانه‌اش بیرون نمی‌آمد آن روزنامه‌نگار چشمهایش را باز کرد. مادرش به او گفت: «ننه، شنیدی روزنامه‌ها چی شدن؟» روزنامه‌نگار گفت: «لا، لا، آی دونت نو، ننه جان، من بیلمیرم شوما چی می‌گی؟»

نتہ جون! حکم دادگاہ بہ من ربی نبارہ
بقیہ قضا یا ہم ہینطور...
در ضمن موقعاً هیچ چیز ہم بی تنوم! لاہ



دادگاه کنفرانس برلین

و کنفرانس برلین روزها و هفته‌ها مورد توجه مردم بود و در مورد آن حرف می‌زدند. تا آنکه حقایق معلوم شد. معلوم شد که کنفرانس رسوای برلین که بخاطر رقص یک خانم برهنه مناطق مختلف اقشار مختلف را جریحه‌دار کرده بود، یک جریان جاسوسی و یک توطئه سیاسی بود.

- و حقایق سرانجام آشکار می‌شود.

□□□

پس از محاکمه شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین و محکوم شدن ۹ نفر به زندان‌های طویل‌المدت و تبرئه ۶ نفر از این افراد که همزمان با دادگاه قتل‌های زنجیره‌ای صورت گرفت همه چیز به نتیجه رسید و روزنامه‌نگاران در مورد مسائل فرهنگی به بررسی‌های عمیق پرداختند.

□□□

در این کاریکاتور، نیک آهنگ کوثر به جانشینی شیوه اطلاع‌رسانی سنتی به جای شیوه روزنامه‌نگاری مدرن اشاره کرده است.



آره، این بچه لایقونی لایقته...
کنترانش «قرلین» هم که هشتون
بجزوز بورکینا فاسو در اومتلن...!

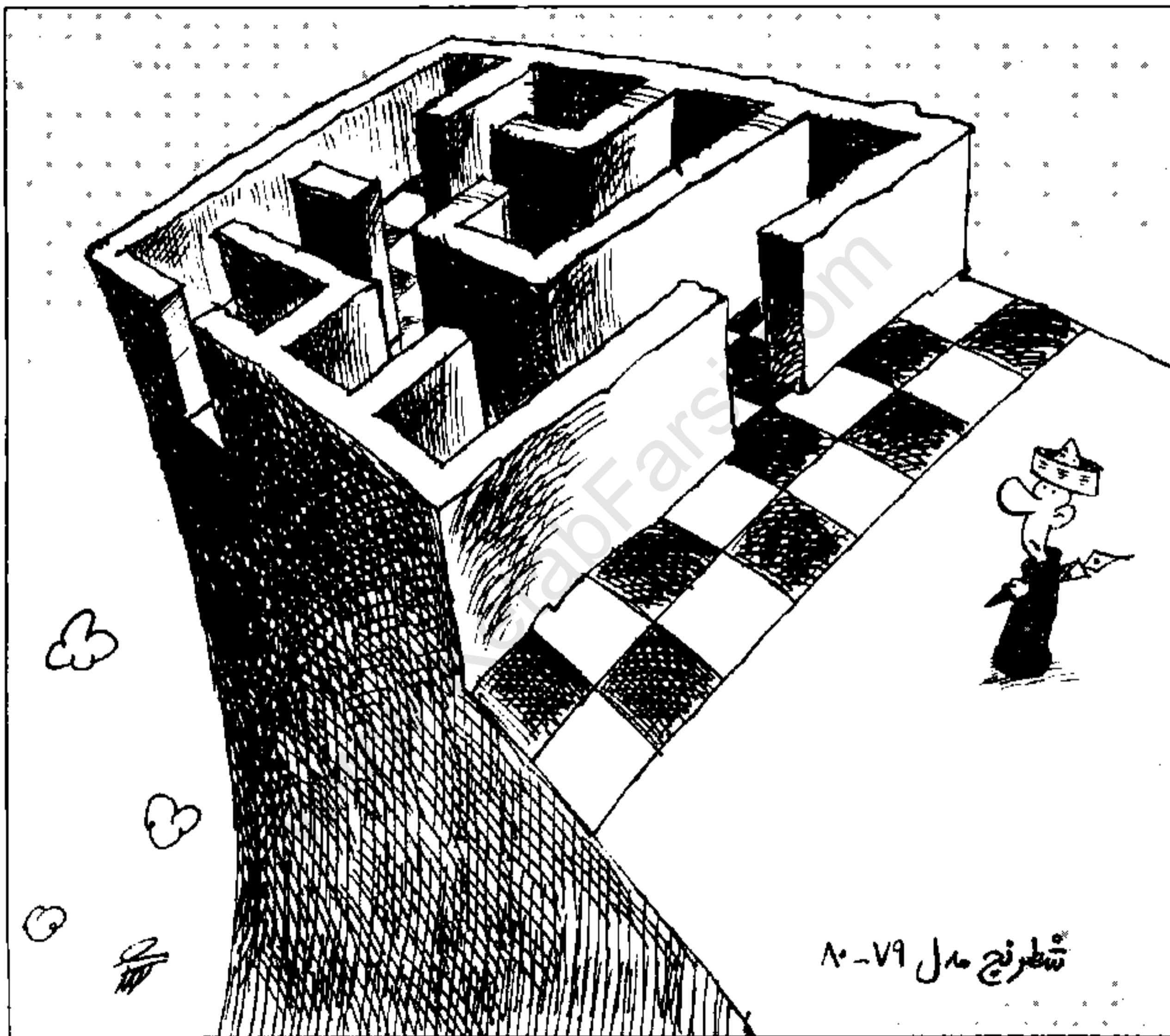
ISO 9000 →

خاله رنگ پرس
(ننه جون سابق)

حاشیون

شطرنج مدل ۷۹

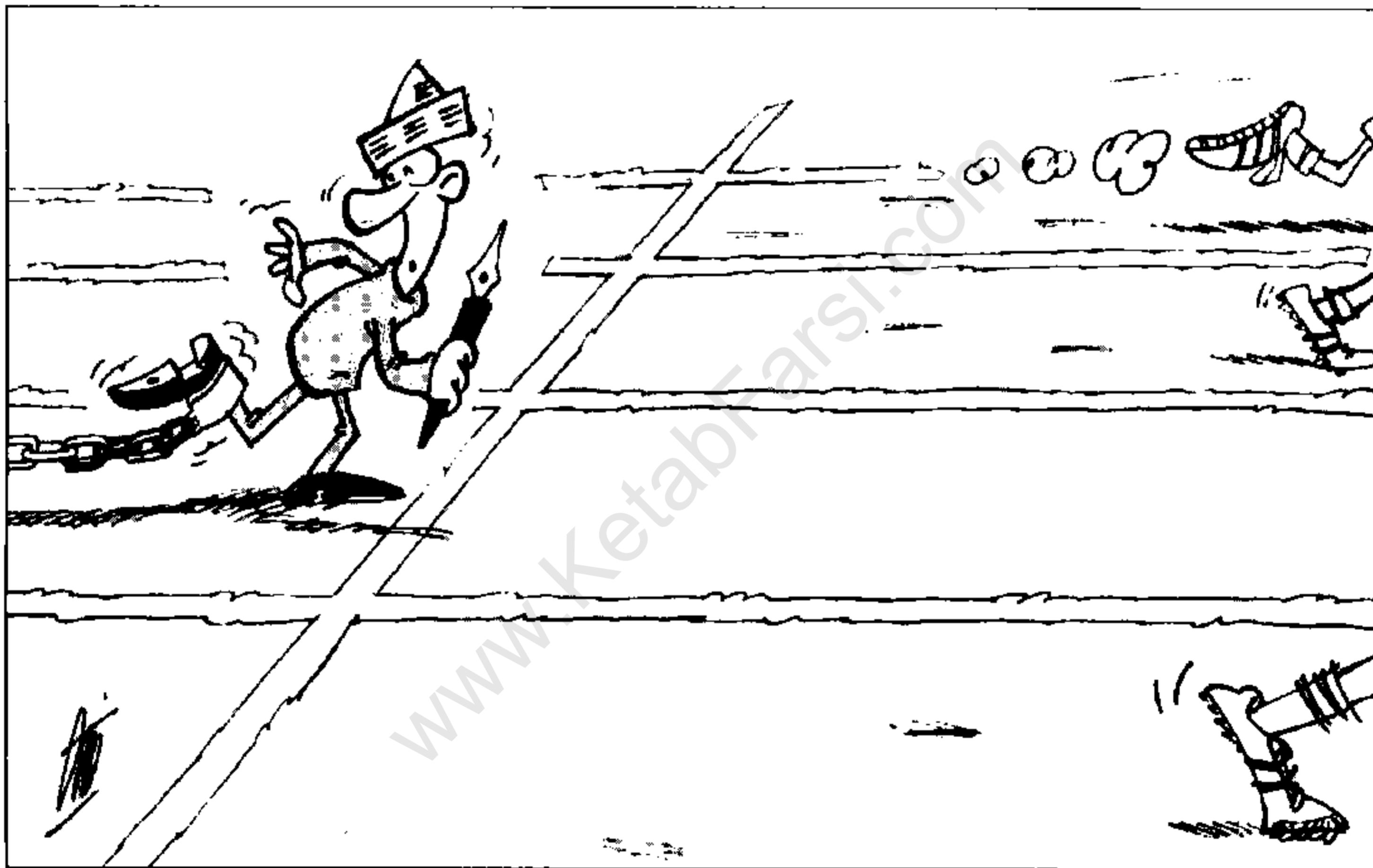
- در سال ۷۹ بازی شطرنج بین سفید و سیاه برگزار شد. در پایان همگی رنگی شدند. قواعد زیر به بازی افزوده شد:
- سیاه بازی را شروع کرده و تا هر وقت دلش خواست حرکت می‌کند.
 - هر وزیری که کیش بدهد استیضاح شده یا باید استعفا بدهد.
 - هر مهره‌ای که کیش بدهد به عنوان اخلال در امنیت دستگیر و سپس محکوم می‌شود.
 - مهره‌های سفید حق حرکت ندارند.
- در سال ۷۹ همه مات شدند. و بازی پس از اینکه در شرایط مساوی قرار گرفت به نفع سیاه پایان یافت.



شماره ۷۹ - ۸۰

مسابقه

یکی از خصوصیات سال ۷۹ این بود که مسابقه میان کسانی که در حال دویدن بودند و کسانی که حق دویدن نداشتند انجام شد. در این سال نشریاتی که منتشر می‌شدند موفق شدند به تیراژی بالاتر از نشریات توقیف شده دست یابند. نشریات توقیف شده بکلی تیراژ خود را از دست دادند، هیچکس آنها را نمی‌خواند، چون اصلاً چاپ نمی‌شدند.



... و رضا خاتمی بالاخره دهانش را باز کرد

هیچ کس نفهمید که رضا خاتمی که از نردبان مطبوعات برای ورود به مجلس استفاده کرده بود و مهم‌ترین فضیلت او اثبات برادری‌اش بود به چه دلیل پس از ورود به مجلس ششم با فاصله‌ای ششماهه ادعای ارث کرد. در پی اظهارات خاتمی برخی مطبوعات کمی تعجب کردند و سپس کمی سیاست سکوت در پیش گرفتند.

www.KetabFarsi.com



لهجه!

آدم‌هایی که:

- (۱) آدم‌هایی که خوش‌قیافه هستند.
- (۲) لباس تمیز می‌پوشند.
- (۳) از درجه علمی بالایی مانند دکترای پزشکی برخوردارند.
- (۴) برادر رئیس جمهور هستند.
- (۵) مدتی سردبیر روزنامه بوده‌اند.
- (۶) خوش عکس هستند.

این شانس را دارند که اگر حرف نزنند هم می‌توانند نمایندهٔ مجلس بشوند.

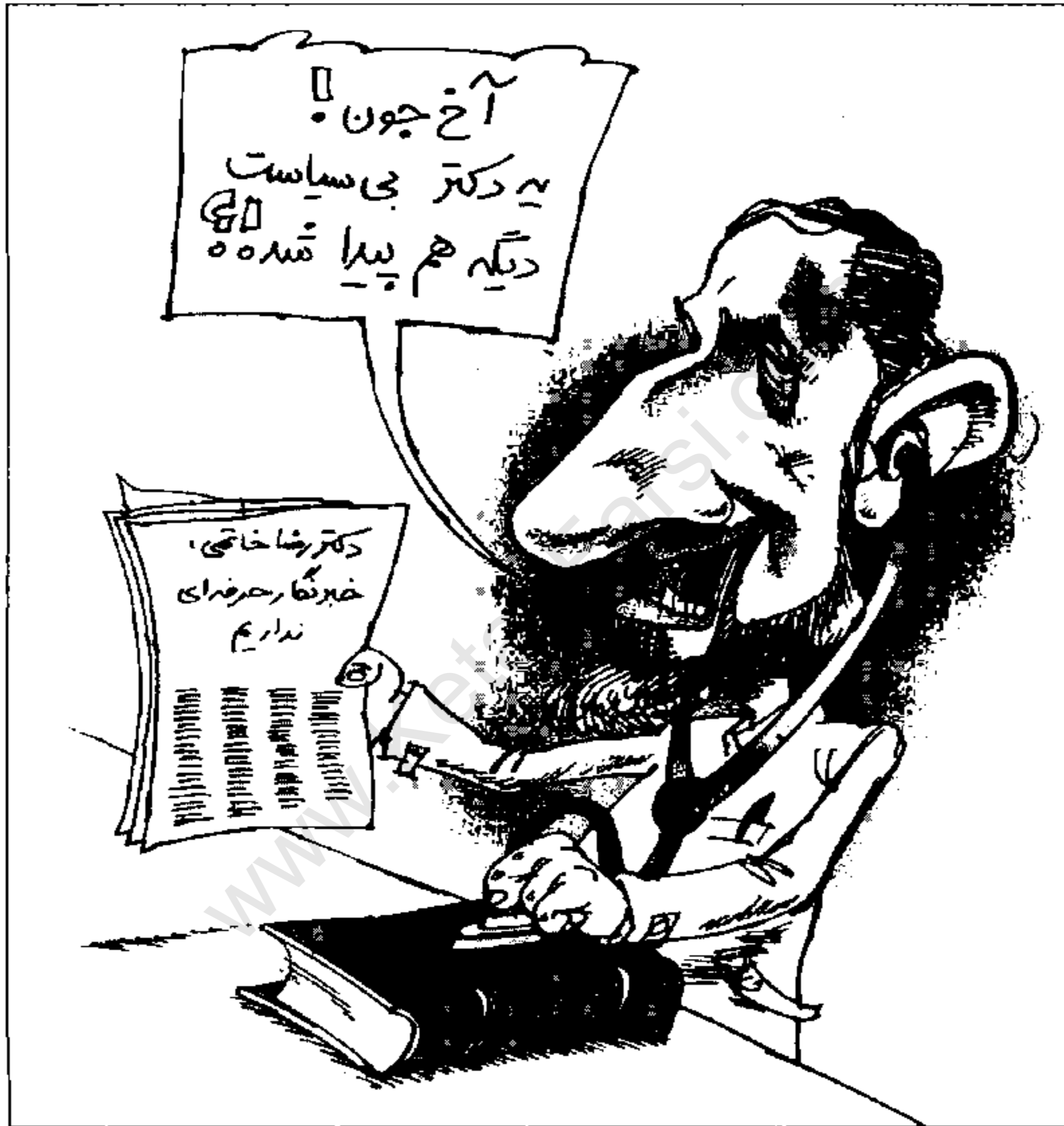
□□□

متأسفانه در سال ۱۳۷۹ دکتر رضا خاتمی یکی دوبار صحبت کرد.

□□□

لطیفه سال:

یه آقاهه رسید به دوستش گفت: ببین! کت شلوارم فرانسوی‌یه، کفشم ایتالیایی، ادوکلن آمریکایی زدم، کلاه سوئیسی گذاشتم، جوراب انگلیسی پوشیدم، سوار ماشین آلمانی شدم، برادر رئیس هم هستم، ولی چه کنم که این لهجه ضایع کرده به همهٔ اینا.



افاضات آقا رضا

در سال ۱۳۷۹ هم مثل ۱۳۷۹ سال قبل همه راه‌ها به رفاقت ختم شد. رضا خاتمی که در جریان مبارزات انتخاباتی خود از یک مشت روزنامه‌نگار غیر حرفه‌ای در روزنامه‌اش استفاده کرده بود، در یک اقدام بی‌سابقه اظهار داشت: «ما در ایران روزنامه‌نگار حرفه‌ای نداریم.»

به دنبال این نظریه که مشت محکمی به دهان روزنامه‌نگاران وطن محسوب می‌شد، وی به سرعت با اعتراض بسیار جدی «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران» مواجه نشد.

□ □ □

دوستان رضا خاتمی به او گفتند: «آخه آقا رضا، این چه حرفیه می‌زنید، اگه کسی غیر از شما از این حرفها می‌زد شیکمش رو جر می‌دادیم.»

آقا رضا!
تورو خدا از این
حرف ها نزن!
ما که نمی تونیم علیه
تو بیاییم بدیم که



دسته کلید
پروپرتیا!

درست من نیست!

مطبوعات بی‌تربیت!

یکی از حوادث و بلایای طبیعی سال ۱۳۷۹ تعطیلی مطبوعات بود. مطبوعات با فروش مناسبی مواجه نبودند، لذا ابتدا تاحدی ورشکست و سپس مقداری تعطیل شدند.

www.KetabFarsi.com

چند بار بخت بگم!!

بدرجه حوادث غیر مترقبه به مطبوعات رطبی نذاره!!
تعطیلی مطبوعات خدیی هم مترقبه است!!



مصائب مجلس ششم

با تشکیل مجلس ششم فشارهای فراوانی بر این مجلس وارد آمد و در نتیجه تعدادی از روزنامه‌نگاران از کار روزنامه‌نگاری دست کشیده و چون بیکار و بدهکار شده بودند به زندان رفتند. در نتیجه زندانی شدن روزنامه‌نگاران روزنامه‌ها نیز تعطیل شد. همزمان با زندانی شدن روزنامه‌نگاران بحث بر سر تفاوت‌های مهم پاترول و پژو و پرشیا عنوان شد و در نتیجه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به دفاع از مجلس ادامه داد. نمایندگان مجلس موفق شدند از بازداشتگاه‌های تعطیل شده حمایت کنند و اقدامات و لوایح فراوانی را که بی‌نتیجه مانده بود مورد توجه قرار دهند. در جریان نطق‌های نمایندگان مجلس تعدادی مورد اهانت قرار گرفته و به دلیل اینکه نمایندگان مجلس مصونیت داشتند، تعدادی از روزنامه‌نگاران زندانی شدند. به تدریج مجلس تحت فشار قرار گرفت و درخواست کمک کرد، اما مخالفان مجلس اظهار داشتند: بیخودی درخواست کمک نکن، چون اگر کسی هم بخواد کمک کنه به ما کمک می‌کنه نه به تو.



برای حل مشکل مطبوعات چه راههایی وجود دارد؟

- (۱) تعطیل کردن نشریات.
 - (۲) جلوگیری از راه افتادن نشریات جدید.
 - (۳) جلوگیری از به وجود آمدن کاغذ.
 - (۴) منفجر کردن چاپخانه‌ها.
 - (۵) منفجر کردن وزیر ارشاد.
 - (۶) نابود کردن کره زمین.
 - (۷) ندادن مجوز به نشریات بعدی و باطل کردن مجوز نشریات قبلی.
 - (۸) هیچکدام.
- در سال ۷۹ کلیه راه‌های فوق مورد آزمایش قرار گرفت.

□□□

در کاریکاتور روبه‌رو یکی از مسئولان یکی از نشریات که روزنامه‌اش تعطیل شده و مقادیر معتنا بهی بدهی بالا آورده و ترور شد و احضار هم شده و ممنوع‌الورود و ممنوع‌الخروج است و حق کار مطبوعاتی و دولتی و ملی و غیرانتفاعی ندارد، غول چراغ جادو را احضار کرده است، اما گویا غول مذکور هم قصد همکاری با مطبوعات را ندارد. صلاحیتش رد می‌شود. قطعاً صلاحیت ندارد، وگرنه صلاحیتش رد نمی‌شد.

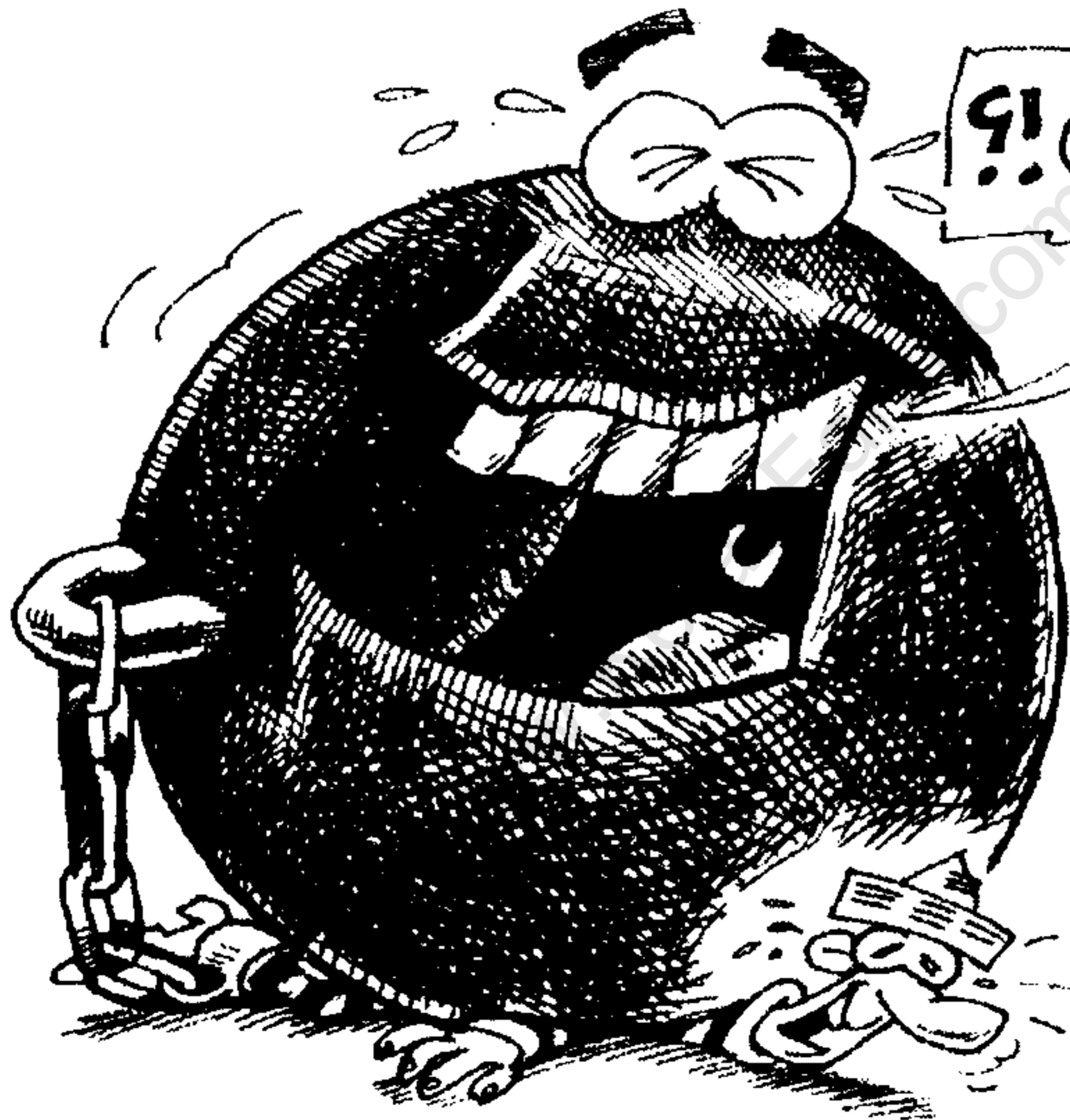
سه تا آهنو کن ...
به عیار از گرقن صلا -
مجوز نشریه ۱۱۱



بیچاره نبوی!

در آبان ماه ۷۹ سیدابراهیم نبوی که به مدت سه ماه در بازداشت به سر می‌برد، محاکمه و تا حدّی محکوم شد. وی در دادگاهش تا حدّی جدی و تا حدّی با شوخی به سوالات پاسخ داد. پاسخ‌های جدی او شوخی تلقی شد و شوخی‌هایش جدی گرفته شد. در همین جریان برخی طرفداران او به مخالفت با وی پرداخته و برخی مخالفان او از او طرفداری کردند.

www.KetabFarsi.com



...چه بامزه ای؟!؟

ببخشید...
شوخی کردم
جدی نگارم...؟!؟



مقررات جدید

در سال ۱۳۷۹ تابلوهای راهنمایی و رانندگی زیر به تابلوهای سابق اضافه شد و نادیده گرفتن آنها علاوه بر جریمه نقدی، زندان، حبس ابد و تبعید نیز داشت.

- سؤال کردن ممنوع
- محل عبور خبرنگاران، لطفاً احتیاط نکنید.
- بوق زدن بکلی ممنوع
- شنیدن ممنوع
- حرف زدن ممنوع
- حق تقدم با پیاده‌هاست.
- به طرف زندان اوین
- به خندق نزدیک می‌شوید، لطفاً احتیاط نکنید.
- به در دسر نزدیک می‌شوید
- تند نروید.

